

دست لرزه‌های ۸ ریشتری در باره استرس که از ابتدای نوجوانی همراه اغلب ماست

۴

طرح: نوجوانه

بی لشکریم، حوصله شرح قصه نیست...

زهرا قربانی
دبیر نوجوانه



هفته اول مهر، مدارس که شروع می‌شود تجمع‌ها از تب و تاب می‌افتد. پیام‌های تشویقی سلبریتی‌ها در وصف جسارت و سرنترس دهه هشتادی‌ها شده تیتربیک رسانه‌های خارجی. افتخار می‌کنند بهشان به پردل و جرات بودن و زیر بار حرف زور نرفتن شان بیشتر.

هفته آخر اردیبهشت، نشسته ایم در جمعی و بلند بلند از نگرانی‌ها و رویایم برای نوجوانه صحبت می‌کنم. من می‌گویم صحبت، شما بخوانید روضه. فلش بک می‌زنم به اغتشاشات سال ۹۸، به شلوغی‌های سال ۹۶، به آتش زدن پرچم و پاره کردن عکس سردار سلیمانی، می‌زنم به پررنگ بودن حضور نوجوان‌ها در صحنه درگیری‌ها و مجازات پسر ۱۵ ساله‌ای که پرچم آتش زده بود؛ می‌زنم به در مطالبه‌گری‌ها از این ابراز نگرانی‌های معروف می‌کنم که اگر نوجوان را دغدغه‌مند و مطالبه‌گر بار نیاوریم

جسارتش می‌شود دوبله شمشیر و ممکن است به جای خیر و دلسوزی برای ساختن خانه و کشورش، شرش دامن خودش و وطنش را بگیرد. ابراز نگرانی می‌کنم نسبت به مطالبه احساسی خالی از فکر و راهبرد؛ ابراز نگرانی می‌کنم نسبت به مطالبه پوچ، هیجانی و غیردلسوزانه‌ای که هدفش پاک کردن صورت مسئله و نابودی صرف است با چاشنی توحش. من ابراز نگرانی می‌کنم اما اسم مطالبه‌گری تن و بدن سیاسی و غیرسیاسی را می‌لرزاند و وای اگر مطالبه از سمت نوجوان باشد که این یک قلم مساوی است با عبور بولدوزری از روی خط قرمزها. مگر نوجوان بلد است مطالبه کند، حرف بزند، مگر نوجوان بلد است فکر کند، بنشیند دنبال راهکار برای

حل مساله بگردد؟ نوجوان دهه هشتادی؟ حالا بنشینیم تشویق شان را ببینیم، نسلی که به قول یکی از بازیگران مان قرار است زور را تاب نیاورد و تا عرصه برایش تنگ می‌شود ببرد وسط خیابان سطل آتشغال آتش بزند، نسلی که مطالبه را مایه یادش ندادیم حالا عملکرد نوجوانه و بی منطق راه جوردگی راه، اعتراض منهای راهکار را از رسانه‌های خارجی خط می‌گیرد. نسلی که مادر پیشران بودنش باورش نکردیم حالا برای مائمری نمی‌دهد و باین فرمان برگ و باری هم نخواهد داد. نه به اندازه هفته آخر اردیبهشت تا هفته اول مهر، به اندازه هشت سال گوشزد و حساس سازی آدم‌های بزرگ و کوچک، خسته از این حرف‌ها، دهانم کف کرده است...